

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و ششم ۱۳۹۷/۱۰/۰۸

موضوع: «اجتهاد» و «تقلید» از دیدگاه فریقین (۲۰) - «تعریف اجتهاد»

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

پرسش:

حاج آقا ببخشید! در شبکه «کلمه» با آقای «هاشمی» بحثی داشتید؟

پاسخ:

خصوصی صحبت زیاد داشتیم.

پرسش:

خیلی این بابا خطرناک است!

پاسخ:

جرئت نمی‌کند! اولاً که ایشان آدم هتاکي است، آقای «خدمتی» رئیس شبکه است. من شاید بیش از ۵۰۰ بار از ایشان

خواستم که برای مناظره حاضر بشود شبکه به شبکه جرأت نکرد بیاید!

پرسش:

شما با یک اسم مستعار بروید با او بحث کنید.

**پاسخ:**

من بارها گفتم ایشان بیاید با «شریفی» که شاگرد رتبه سوم و چهارم ما است، حوزه هم نرفته دانشگاه هم نرفته سیکل دارد گفتم اگر با «شریفی» مناظره کند و او را شکست بدهد، شکست من است دیگر از این بهتر! صد بار این را من گفتم اصلاً «شریفی» به شبکه آن‌ها وصل می‌شود بدن‌شان به لرزه می‌افتد!

**پرسش:**

شما به اسم «شریفی» بروید

**پاسخ:**

نه! صدای من را کاملاً می‌شناسند

**پرسش:**

آقای «شریفی» که می‌فرمایید برود

**پاسخ:**

نه، صدای او را هم می‌شناسند. وقتی او به شبکه آن‌ها وصل می‌شود بلافاصله قطع می‌کنند با «سجودی» سه - چهار بار مناظره کرد همه گفتند «سجودی» را محکوم کرد، «عبدالله حیدری» از کارشناسانشان است و آخوند هم هست. ده بار ما گفتیم ایشان گفت من حاضر هستم با فلانی مناظره کنم گفتم باشد!

موضوع معین کرد دوباره از موضوع‌اش برگشت سه - چهار بار این کار را انجام داد آخر «هاشمی» به او گفت آقای «حیدری» مناظره شما با فلانی چه شد؟ گفت من از آیت‌الله «قزوینی» می‌ترسم از عکس ایشان هم می‌ترسم! در سایت‌های مختلف هم است شما این سه تا کلمه «قزوینی»، «حیدری»، «می‌ترسم» را در اینترنت سرچ بزنید در سایت‌های مختلف وجود دارد، ۵۰۰ تا سایت این کلیپ را گذاشتند!

وقتی هتاک می‌کنند با هتاک مناظره معنا ندارد! پیغمبر با «ابو جهل» و «ابو لهب» مناظره نکرد، با «نصارای نجران» مناظره کرد چون حداقل آن‌ها به اولیات عقل احترام می‌گذاشتند؛ ولی با کسانی مثل «ابو جهل» و «ابو لهب»، پیغمبر حاضر نشد یک ثانیه هم با این‌ها بحث بکند!

خدا به حق حضرت زهرا ذلیل کند آن‌هایی که صدای شیعه را خفه می‌کنند، شبکه «ولایت» بود که جواب این‌ها را می‌داد، این شبکه را هم که به این روز در آوردند!

**پرسش:**

استاد! برای چه این را برداشتند؟

**پاسخ:**

من در نماز مانند همان فرمایش حضرت زهرا است

«لأدعون عليك في كل صلاة أصليها»

أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري الوفاة: ٢٧٦هـ. الإمامة و السياسة ج ١ ص ١٧، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م، تحقيق: خليل المنصور.

به خودشان هم گفته‌ام. گفتم حواله‌تان به حضرت زهرا(سلام الله عليها)!

هاشمی مدعی است که فارغ التحصیل دانشگاه «محمد ابن سعود ریاض» است، از آن‌جا ارشد گرفته است!

**پرسش:**

حاج آقا! یک بحثی است (...). شما با هر علقه مضغه‌ای نروید مناظره کنید، شما بروید با «حیدری» یا «هاشمی» مناظره کنید

**پاسخ:**

من با «حیدری» حاضر هستم مناظره کنم حرفی ندارم! به این شرط که اولاً بارها گفتیم باید یک توازنی در میان باشد،

## پرسش:

توازن که نیست!

## پاسخ:

ولی من با این حال گفتم با «حیدری» و «خدمتی» چون طلبه حوزه اهل سنت هستند حاضر منظره کنم، «هاشمی» طلبه نیست دانشگاهی و آدم هتاک‌ی هم است، من با این دو تا رسماً گفتم هر وقتی آماده باشند برای مناظره حاضر هستیم! ما در «طائف» با مفتی اعظم‌شان یک ساعت بحث داشتیم.

آقای «نواب» که در «شورای عالی مدیریت» است ایشان هم با من بود مسئول بعثه مقام معظم رهبری. خدا شاهد است. این مفتی اعظم مثل گنجشک در برابر عقاب جلوی ما بال، بال میزد! ما در سه - چهار تا موضوع بحث کردیم برای هیچ کدامش جوابی نداشت!

این‌ها جواب ندارند این‌ها وقتی میدان را خالی می‌بینند، داد و بیداد راه می‌اندازند، به قول معروف یک روزی روباه در جنگل داد و فریاد میزد، آی من رئیس جنگل هستم من چه و چه هستم همه باید از من حساب ببرند یک دفعه شیر از آن طرف غرید گفت چه می‌گویی؟ گفت غلط اضافی می‌کردم!!

این‌ها در میدان خالی رجز خوانی می‌کنند ولی وقتی کسی در میدان بیاید این‌ها در میروند. آقای «شریفی» چند بار به «سید مهدی موسوی» گفت آقای «موسوی» من حاضر هستم با شما مناظره کنم گفت: نه! ما با شما مناظره نمی‌کنیم! همین که مدعی است که من طلبه فاضل حوزه بودم رفتم سنی شدم ده بار دوستان ما گفتند بیا برای مناظره. چرا برای مناظره حاضر نمی‌شوند؟

اگر واقعاً راست می‌گویند که حق هستند، بفرمایید بعضی از طلبه‌های ما متأسفانه سرمایه علمی ندارند، فن مناظره هم بلد نیستند آن‌جا می‌روند، آن‌ها هم آدم‌های کلاش و استاد در پیچاندن و از این شاخه به آن شاخه پریدن هستند، و در این مورد دوره دیده‌اند، من معتقد هستم همان تعبیری که حضرت امام عسکری (سلام الله علیه) دارد کسانی که برای مناظره مسلط نیستند بروند

## «فَذَلِك حَرَامٌ عَلَىٰ شِيعَتِنَا»

حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، جلد،

مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ص ۵۲۸

جز خلاف شرع چیز دیگری نیست! این‌ها هم همین را برمی‌دارند ولو طرف عنوان آیت‌الله، حجت الاسلام و غیره داشته باشد، یا اگر یک مقداری وارد باشد می‌گویند آقا این عامل و جاسوس «وزارت اطلاعات» بوده که می‌خواست با ما حرف بزند! چندین واژه دارند: «حجت الاسلام»، «آیت‌الله»، «استاد حوزه»، «نماینده مراجع» و «نماینده وزارت اطلاعات» و... این واژه‌ها را می‌گویند این‌ها در جدل واقعاً استاد هستند! کسی باید با این‌ها مناظره کند که دوره جدل را کامل عملی دیده باشد. شما ببینید ما دو تا مناظره انجام دادیم یکی با «ملازاده» و دیگری با «مرادزی» در اینترنت هم هست. چاپ هم شده خدمت دوستان هم ما می‌دهیم، مجری آمد پنج دقیقه برای «مرادزی» وقت گذاشت پنج دقیقه هم برای من!

پنج دقیقه یک ثانیه بیشتر نمی‌شد. او حرفش را زد ما هم حرفمان را زدیم به این مناظره می‌گویند! «ملازاده» که کبکبه و دبدبه‌اش آسمان خراش بوده همان شبی که ما با ایشان مناظره کردیم در «آمریکا» ۳۰۰ نفر از بچه سنی‌ها، شیعه شدند آدرس دقیقش را هم شبکه «سلام» دارد!

بحث مناظره، مثل رانندگی می‌ماند شما آیین نامه رانندگی را حتی مثل حمد و سوره حفظ باشید تا عملی کار نکرده باشید، وقتی سوار ماشین شوید می‌مانید چه کار کنید! بعد از این که آیین نامه را یاد گرفتید باید در کنار مربی کارهای عملی را آموزش ببینید بعد از پنج- شش ماه آموزش و تمرین رانندگی تازه راننده می‌شوید؛ ولذا الان مشکل اساسی ما این است!

شما ببینید «شیخ عدنان عرعور» تقریباً به مدت ۱۷ سال یکه تاز میدان بود از زمان شبکه «المستقله» ده‌ها مناظره با دکتر «عبدالزهره»، دکتر «موسوی» و دکتر «تیجانی» کرد و مدعی بود همه جا هم برنده شده است حالا ما به آن کار نداریم که برنده بود یا نه! یک ربع ایشان با یکی از شاگردان ما آقای «ابوالقاسمی» در شبکه «صفا» مناظره کرد، شکست خورد و فرار کرد شبکه «صفا» برنامه ثابت هفتگی‌اش را برای همیشه حذف کرد و در تمام سایت‌های اهل سنت هم

نوشتند که «عرعور» از ابوالقاسمی شکست خورد! این کاملاً واضح و روشن است که در میدان آزاد این‌ها مثل آن روباه سر و صدا زیاد می‌کنند که من چنین و چنان هستم؛ ولی وقتی شیری می‌بیند فرار می‌کنند و به غلط کردن می‌افتند.

**پرسش:**

من می‌گویم به اسم مستعار بروید.

**پاسخ:**

این‌ها صدا را می‌شناسند! من ۲۰ سال در حوزه «رجال» تدریس کردم ۱۵-۱۶ سال است که بحث «فقه» دارم؛ یعنی نزدیک ۳۰ سال!

آن روز گفتم ما ۳۰ سال زحمت کشیدیم ۵ تا طلبه آن‌طوری که دل‌مان می‌خواهد بیشتر نتوانستیم آموزش بدهیم که بتوانیم جلوی این‌ها بفرستیم؛ چون دوستان ما واقعاً پشتکار ندارند. دوستانی مانند: آقای «ابوالقاسمی»، آقای «یزدانی»، آقای «عباسی» و آقای «روستایی» را ما پوست‌کنیم! خیلی طعنه زدیم خیلی اذیت‌شان کردیم، بحث کردند ایراد گرفتیم و غیره که تقریباً یک افراد مسلط به بحث شدند.

هفت - هشت نفر افرادی مثل «شریفی»، «شرفی» و «حسینی» مجری‌مان را برای پشت صحنه‌ها آماده کردیم، این‌ها اگر راست می‌گویند ما رسماً اعلام می‌کنیم هر وقت این‌ها با یکی از این بچه‌های ما برای مناظره آماده باشند ما حاضر هستیم و شکست این‌ها را هم شکست خودمان می‌دانیم.

با «احمد الحسنی»‌ها هم گفتیم شما بیایید با «شریفی» بحث بکنید اگر او را شکست دادید شکست خودمان است دیگر ما چه کار کنیم! بلا تشبیه، بلا تشبیه، بلا تشبیه مرد «شامی» به آقا امام صادق (سلام الله علیه) می‌گوید:

«فَصِرْتُ إِلَيْكَ لِأَنَاظِرَكَ»

حضرت می‌فرماید:

«يَا حُمْرَانُ ذُو نَكَ الرَّجُلِ»

به آن مرد «شامی» بر می خورد می گوید:

«إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

من آمدم با تو مناظره کنم.

حضرت فرمود:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث

العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷؛ ص ۴۰۷

سیره خود ائمه بوده، ما چیزی از خودمان در نیاوردیم!

یا همین آقای که در «اصفهان» است، دیشب داشتم کانالش را می دیدم، نوشته بود دو نفر از آقایان به نام «صالحی» و غیره گفتند که فلانی این طور بحث کرده آن جا چه گفته و چه نگفته من منکر وحی هستم و غیره ما هم برای شان پیام دادیم گفتیم آقا شما واقعاً راست می گوئید ما کاری نداریم ایشان گفته هیچ کس حاضر نشده با من مناظره کند...

**پرسش:**

استاد! ایشان یکی از اشخاص سرشناس «اصفهان» هستند، چطور می شود چنین ادعاهایی را در روز روشن داشته باشند؟!

**پاسخ:**

نمی دانم! ایشان بنا بود با حاج آقا «مهدی امامی» مناظره کند، یک روزی آن جا رفته بوده تعدادی اساتید حوزه شان هم آن جا بوده یک ساعتی با هم معارفه و بحث هایی هم کردند مجموع بحث شان هم کتاب شده است، بنا بود که حاج آقا «مهدی امامی» برود و با ایشان مناظره کند، تقریباً ۶-۷ هفت ماه است که از آن قضیه می گذرد و مناظره ای صورت نگرفته است.

آن روز که در مورد کتاب ایشان «نگاه جدید به سه آیه» صحبت داشتیم بعد از صحبت ما الان این کتاب را از سایتش برداشته است!

**پرسش:**

گشتیم پیدا نکردیم .

**پاسخ:**

بله برداشته است! دوستان فتوکپی اش را دارند و اسکن هم کردند.

این که نظام را بخواهید این طور زیر پا بگذارید نمی شود! عذر می خواهم من با این ها با منطق حرف نمی زنم می گویم اگر اقتدار نظام نبود معلوم نبود مادر، خواهر و زن و بچه شما هر روز بغل چند تا از داعشی ها می خوابیدند! جواب این ها این است!!

من کاری نه به انقلاب دارم، نه به اسلام دارم نه غیره... اصلاً فرض می کنیم نظام اسلامی هم نیست، انقلابی نیستیم مسلمان هم نیستیم به عنوان یک غیرتمند در این کشور داریم زندگی می کنیم آیا جواب این امنیتی که نظام ایجاد کرده این است!

(هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ)

مگر پاداش احسان جز احسان است

سوره الرحمن (۵۵): آیه ۶۰

خدا می داند من به کشورهای خارجی که می روم، صبح بیرون می روند امید ندارند که شب به خانه شان بر گردند! من در سال ۹۰ به مدت ۴۰ روز در آمریکا بودم، حتی در «آمریکا» غالب اوقات مردم می گفتند ما نمی دانیم تا غروب سرنوشت ما چه می شود؟ ما مغازه می رویم ممکن است یک نفر ما را به رگبار ببندد! هیچ اعتمادی نداریم!

ببینید در کانال شان این طور نوشته سلام شب بخیر! آقای شیخ «نعمت الله صالحی» و شیخ «محمدعلی حبیب الهی» نقل کردند قبل از درس آقای «محقق» آقای به نام «حسینی قزوینی» درس خود را کامل علیه حضرتعالی قرار داده است و گفته است شیخی منحرف به نام «احمد عابدینی» در «اصفهان» کتابهای منحرف نوشته و سعی در انحراف طلاب دارد شخصیتی از حوزه رفته بود که او را جواب دهد؛ ولی نتوانسته و «عابدینی» بر او غالب شده - چنین حرفی نبود - «عابدینی»، منکر وحی است! - من کی گفتم که ایشان منکر وحی است؟ من عین عبارتش را خواندم - و منکر امامت است و ادعای بی اساس کرده و مدعی حکم اجتهاد از بعضی از مراجع من جمله آقای «صانعی» می باشد، و در مدرسه «اصفهان» غائله به پا کرده است. خودش نوشته که چه کار کردند و چه کار نکردند حجره اش را بستند عمامه اش را انداختند، خودش مفصل نوشته. نامه ای سرگشاده هم به امام جمعه «اصفهان» و هم برای آقای «مظاهری» نوشته است.

#### آغاز بحث ...

بحث ما در رابطه با تعریف «اجتهاد» بود که ما عرض کردیم در عبارت فقها معمولاً من دنبال دو تا واژه می گشتم که آیا این «اجتهاد» از روی کتاب و سنت است یا نه، «اجتهاد» اعم از کتاب و سنت است؟ بلکه کتاب و سنت را هم «اجتهاد» نمی دانند؛ «اجتهاد» فقط آن است که «مجتهد» به «قیاس» و «استحسان» و «رأی» مطلب بدست می آورد این را به «اجتهاد» تعبیر می کنند.

عبارتی ما از آقای «شوکانی» خواندیم و نقدی هم داشتیم، عبارتی هم از «ابن قدامه مقدسی» آوردیم و عرض کردیم این کتاب تقریباً «توضیح المسائل مفتیان وهابی» است، ایشان تعبیرش این است که برای «اجتهاد» شش شرط لازم است: «کتاب»، «سنت»، «اجماع»، «اختلاف»، «قیاس»، «لسان عرب»!

بعد می گوید باید ده مورد را فقیه نسبت به کتاب بداند: «خاص»، «عام»، «مطلق»، «مقید»، «محکم»، «متشابه»، «مجمل» و «مفسر»!

ناسخ، منسوخ در آیات متعلق به احکام و این هم ۵۰۰ تا بیشتر نیست و لازم نیست دیگر مطالب را بدانند! مثلاً اخبار بهشت، جهنم و بحث عبد و عبید و... این که این‌ها را بدانند که چه است، خیلی لازم نیست، یا در رابطه با تواتر آیات و این‌ها را می‌گوید ملاک نیست.

بعد می‌گوید مواردی را که علمای ما اجماع، یا مواردی را که اختلاف دارند باید بشناسد، این را باید «فقیه» بدانند! این که «قیاس» چه است و شرایط و انواع «قیاس» و استنباط احکام از «قیاس» چه است باید این‌ها را هم بدانند و این که چگونه احکام را بخواهد استنباط کند! و همچنین لسان عرب و لغت عرب را هم بدانند البته:

«فیما یتعلق بما ذکرنا»

نه قسمت دیگر!

بعد می‌گوید «احمد ابن حنبل» این شرایط را هم در فتوا شرط کرده و هم در قضاوت ایشان این شرایط بیان کرده است؛ یعنی اگر کسی قاضی هم هست باید دارای این شرایط باشد چون قاضی حتماً باید مجتهد باشد.

بعد یک جمله‌ی دارد می‌گوید:

«فإن قیل هذه شروط لا تجتمع»

یک کسی که این همه مطالب را بدانند در یک نفر جمع نمی‌شود؛ یعنی خودش هم اعتراف دارد که فقهای ما همه‌ی این مطالب را نمی‌دانند؛ پس چه کار کنیم؟

« فکیف یجوز اشتراطها »

بعد می‌گوید:

«قلنا لیس من شرطه أن یکون محیطا بهذه العلوم إحاطة تجمع أقصاها»

لازم نیست که این شرایط را به قدری داشته باشد که بالاترین مرتبه را داشته باشد.

«وإنما يحتاج إلى أن يعرف من ذلك ما يتعلق بالأحكام من الكتاب والسنة ولسان العرب ولا أن يحيط بجميع

الأخبار الواردة في هذا»

المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني ، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد

الوفاة: ٦٢٠ ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥ ، الطبعة: الأولى، ج ١٠، ص ٩٤

بحث این که یک «فقیه» در رابطه با «احکام»! که بحث سر این است اصلاً حرف ایشان این بود، در رابطه با کسی که می‌خواهد «احکام شرعی» را استنباط کند این‌ها را باید داشته باشد، ایشان در جواب می‌گویند همه این‌ها را در مرتبه بالا داشته باشد شرط نیست یک نفر نیامده بگوید که شما در «لسان العرب» «مجتهد» باشید.

ولی گرچه در بحث «لسان العرب» هم باید صاحب نظر باشد، یک دفعه فلان لفظ را یک لغوی طوری معنا کرده، لغوی دیگر خلاف آن را معنا کرده، ما خیلی از الفاظ داریم معانی ضد هم دارند.

یا الفاضی داریم که معانی مختلفی دارد، یک لفظ است و سی - چهل تا معنا دارد! این شخص باید به قدری به لسان عرب مسلط باشد یک اجتهاد و ملکه‌ای داشته باشد که بتواند از اقوال لغویین معنای صحیح را به دست بیاورد!

در «رجال» باید مسلط و «مجتهد» باشد، شما یک راوی دارید که «ابن معین» گفته ضعیف، «شعبی» گفته ثقة، «رازی» گفته مختلف فیه! این‌جا باید «مجتهد» باشد تا بتواند تشخیص بدهد که آیا واقعاً این راوی، ثقة است یا ثقه نیست؟ اگر «مجتهد» نباشد چه کار کند بیاید بگوید «ثقة» آن افرادی که تضعیف کرده آن‌ها را چه کار کند؟ بگوید «ضعیف» افرادی که توثیق کردند آن‌ها را چه کار بکند؟

لذا در این قسمت باید «مجتهد» باشد و «مجتهد مطلق» هم باشد نه متجزی؛ یعنی ملکه اجتهاد را باید داشته باشد؛ حتی در مبادی «اجتهاد» اگر ملکه اجتهاد را نداشته باشد با مشکل بر می‌خورد! در بحث آیات و روایات را ما کار نداریم که آن‌جا واقعاً مجتهد مطلق باشد و بین مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه باید تشخیص بدهد!

ولی در مبادی هم اگر «مجتهد» نباشد نقص دارد. چه شیعه باشد یا چه سنی باشد فرقی نمی‌کند! یک حرفی بعضی از اعظم دارند که ما نمی‌خواهیم متذکر بشویم گرچه در آن‌جا هم ملکه‌ی اجتهاد داشته باشد، می‌تواند با مراجعه به اقوال

لغوبین، آنچه را که بدون قرینه از اطلاق کلام استفاده می‌شود به دست بیاورد؛ ولی امروز، اگر یک «فقیه» در «رجال» مجتهد نباشد نمی‌تواند.

به طور مثال «سهل ابن زیاد آدمی» نزدیک به ۳ هزار روایت دارد ۳ هزار روایت کم نیست؛ یعنی از ۱۶ هزار روایت «کافی» ۳ هزار مال «سهل» است «شیخ طوسی» در «فهرست» می‌گوید «ضعیف جداً» ولی در «رجال» خودش می‌گوید «ثقه» اصلاً ما کاری به «نجاشی» نداریم که ایشان هم تضعیف کرده است! ولی ما چه کار کنیم؟ قبول کنیم! رد کردن یک راوی به اتهام ضعف، گفتنش سهل است؛ ولی ۳ هزار روایت اهل بیت است این‌ها را چه کار کنیم؟ اعظم و بزرگان از او نقل روایت کردند قبلاً خدمت تان عرض کردم من سال ۵۶ درس «خارج اصول» حضرت آیت‌الله العظمی «وحید» می‌رفتیم ایشان یک هفته درس اصولش را به «سهل» اختصاص داد! ادله وثاقت «سهل» و ادله ضعفش؛ یعنی ۵ روز تمام، درسش را مختص به این موضوع کرد.

من الان آن یادداشت‌ها را دارم روز آخر گفت «الامرُ فی السهلِ سهلٌ» نمی‌دانم جایی دیدم یا دوستان گفتند که آقای «وحید» گفته به روایات «سهل» ما عمل نمی‌کنیم! نه! وقتی ما خدمت ایشان بودیم آنچه ایشان گفتند این بود که ما به روایات «سهل» عمل می‌کنیم و روایات «سهل» را معتبر می‌دانیم.

در هر صورت ...

اگر ما در این زمینه، واقعاً به آن مرحله «اجتهاد» نرسیم نمی‌توانیم! من بارها گفتم بهترین تسلط به «رجال» این است که دوستان ۵۰ تا ۱۰۰ تا روایات «کافی» را از جلد اول بگیرند، راوی به راوی، سند به سند کار کنند؛ من تضمین می‌کنم کسی ۵۰ تا روایت «کافی» را بررسی سندی بکند تقریباً نیمه متخصص در «رجال» می‌شود!

شاید آن ملکه «اجتهاد رجالی» برایش فراهم بشود، ما هم در کتاب «المدخل الی علم الرجال والدرايه» تلاش کردیم ضروری‌ترین بحثی که برای یک طلبه در «رجال» مطرح است، ما در این کتاب آوردیم، دوستان اگر این کتاب را مباحثه کنند چیز خوبی است.

آقای «ابن صلاح» از استوانه‌های «اصولی» و «فقهی» اهل سنت است، غالب کتاب‌های ایشان هم در دانشگاه‌ها کتاب درسی است، مخصوصاً کتاب «ادب المفتی والمستفتی» ایشان!

اقای «ابن صلاح» کتاب‌های زیادی دارد و یک آدم توانمند است، و مسلط هم است، هم در مباحث «رجالی» و هم در مباحث «اصولی» تسلط قوی دارد! در «اصول» من معتقد هستم که ایشان هم از «زرکشی»، هم از «فخر رازی» و هم از «شاشی» ایشان قوی‌تر است.

در هر صورت ...

شما ببینید ایشان این مباحث را می‌آورد و نقد می‌کند «فخر رازی» گفته: اجتهاد یعنی

«استفراغ الوسع في النظر»

به کار بردن همه توان برای رسیدن به هدف!

کلمه «استفراغ» به معنای به کار بردن تمام توان است، «استفراغ» بالا آوردن نیست!

«فیما لا یلحقه فیه لؤم»

می‌گوید: به قدری تلاش کند که خودش را ملامت نکند.

المحصول للرازي - (ج ۶ / ص ۷)

مثلاً آدم از ۱۰۰ درجه، ۷۰ درجه تلاش بکند بعد کشف خلاف بشود، می‌گوید من اگر ۳۰ درجه دیگر تلاش کرده بودم به حقیقت می‌رسیدم! انسان به قدری تلاش کند که اگر خلافت ثابت شد خودش را مذمت نکند، بگوید من تمام تلاشم را به کار بردم و نتیجه این شد اگر کشف خلاف شد پیش خدا، معذورم!

«غزالی» گفته:

«أن یبذل الوسع في الطلب بحيث یحس من نفسه بالعجز عن مزید طلب»

به قدری تلاش بکند که از تلاش بیشتر عاجز باشد!

المستصفی فی علم الأصول ، اسم المؤلف: محمد بن محمد الغزالی أبو حامد الوفاة: ۵۰۵ ، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - ۱۴۱۳ ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: محمد عبد السلام عبد الشافی، ج ۱، ص ۳۴۲

یعنی به قدری که هر چه توان داشته به کار برده دیگر بیش از این، زورش نرسیده است!

«زرکشی» در کتاب «البحر المحيط» هم در این مورد حرف دارد، البته «زرکشی» عمدتاً در علوم قرآن خیلی تسلط دارد، ایشان در مسائل «علوم قرآنی» شاید اولین حرف را در میان اهل سنت می‌زند و حرف او هم عمدتاً فصل الخطاب است!

**پرسش:**

استاد! «سیوطی» در «علوم قرآن» چطور است؟

**پاسخ:**

«زرکشی» خیلی قوی‌تر از او است! «سیوطی» را آقایان می‌گویند «حاطب اللیل» بوده است.

**پرسش:**

«سیوطی» بعد از ایشان است؟

**پاسخ:**

بله، سیوطی متوفای ۹۱۱ است و ایشان متوفای ۷۹۴ است!

**پرسش:**

«سیوطی» نظرش نسبت به اهل بیت چطوری است؟

**پاسخ:**

نسبت به اهل بیت خوب است، روایات خوبی نقل کرده و تضعیف هم نکرده است در بعضی از جاها «توثیق» هم دارد.

«زرکشی» هم می‌گوید:

«بَدَلُ الْوُسْعِ فِي نَيْلِ حُكْمِ شَرْعِيٍّ عَمَلِيٍّ بِطَرِيقِ الْإِسْتِثْبَاتِ»

البحر المحيط في أصول الفقه ، اسم المؤلف: بدر الدين محمد بن بهادر بن عبد الله الزركشي الوفاة: ٧٩٤هـ ، دار

النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: ضبط نصوصه وخرج

أحاديثه وعلق عليه: د. محمد محمد تامر، ج ٤، ص ٤٨٨

يعنى همان چیزی که شیعه دارد!

«آمدی» در مباحث اصولی کتابی به نام «الإحكام في الأحكام» دارد می‌گوید:

«استفراغ الوسع في طلب الظن بشيء من الأحكام الشرعية»

این که آیا «مجتهد» می‌تواند با تلاشش به قطع برسد کاملاً از این نا امید هستند می‌گویند ما فقط می‌توانیم آن ظن غالب را بدست بیاوریم و غیر از او کار دیگری نداریم. این که به ما ایراد می‌گیرند که شما معمولاً «ظنون» را حجت می‌دانید نظر خودشان هم به همین شکل است!

«استفراغ الوسع في طلب الظن بشيء من الأحكام الشرعية على وجه يحس من النفس العجز عن المزيد

عليه»

به قدری تلاش کند که واقعاً و کاملاً احساس عجز کند.

الإحكام للآمدي - (ج ٤ / ص ١٦٩)

یعنی بیش از این من نمی‌توانم تلاش بکنم!

«ابن سبکی» غیر از «سبکی» است «سبکی» متوفای ٧٥٦ و معاصر «ابن تیمیه» بود کتاب‌های مختلفی هم علیه «ابن

تیمیه» دارد و خیلی شمشیر را علیه «ابن تیمیه» از رو بسته است!

«ابن سبکی، عبدالوهاب سبکی» است - متوفای ٧٧١هـ - می‌گوید:

«استفراغ الفقيه الوسع لتحصيل ظن بحكم شرعي»

رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب ، اسم المؤلف: تاج الدين أبي النصر عبد الوهاب بن علي بن عبد الكافي  
السبكي الوفاة: ٧٧١هـ ، دار النشر : عالم الكتب - لبنان / بيروت - ١٩٩٩م - ١٤١٩هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق :  
علي محمد معوض، عادل أحمد عبد الموجود ج ٤، ص ٥٢٩

ایشان هم به همین شکل می‌گویند!

البته این مطالب را بر مبنای که ایشان ذکر کرده من آوردم اگر به دست من بود بر مبنای سال وفات این‌ها را می‌آوردم.

«ابن حاجب مالکی» هم باز همین تعبیری که «ابن سبکی» و دیگران داشته دارد:

«لتحصیل ظن بحکم شرعی»

«بیضاوی» که از مفسران نامی اهل سنت است ایشان می‌گویند:

« استفراغ الجهد في درك الأحكام الشرعية»

قواطع الأدلة في الأصول - ( ج ٢ / ص ٣٠٢ )

«محب الله عبدالشکور بهاری» هم می‌گویند:

«بذل الطاقة من الفقيه في تحصيل حكم شرعي ظني»

مسلم الثبوت: ٣٣٦ / ٢

«سیواسی» همان کسی که می‌گویند:

«من أنكر إمامة أبي بكر الصديق فهو كافر»

ابن نجيم مصری، البحر الرائق، ج ١، ص ٦١١

ایشان هم در کتاب «تحریر» شان دارد که:

«بذلُ الطَّاقَةِ ( مِنْ الْفَقِيهِ فِي تَحْصِيلِ حُكْمٍ شَرْعِيٍّ ظَنِّيٍّ )»

نقل اقوالی خوبی کرده است؛ ولی به نقد اقوال که می‌رسد باز آدم می‌بیند که آن تعصبات مذهبی در بعضی از جاها جلوی چشم این حضرات را می‌گیرد و آن حقایقی را که یقین دارند به زبان نمی‌آورند! این یک مشکل است که یک سری مطالبی در ذهنش است ولی مجبور است این مطالب ذهنی خودش را بر «کتاب، سنت، عقل، اجماع، قیاس و غیره» تحمیل کند! همان حرفی «فخر رازی» که می‌گوید آیه اولی الامر:

**(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)**

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

دلالت می‌کند که اولی الامر قطعاً باید معصوم باشد، اگر معصوم نباشد در قول خدای عالم خلف و تضاد لازم می‌آید! از یک طرف امر به اطاعت مطلق می‌کند و از طرف دیگر اگر معصوم نباشد امر به خلاف شرع کرده است! ولی چه کار کنیم؛ چون ابوبکر و عمر معصوم نبودند و اولی الامر هم بودند! - این مطلب را دقت کنید- می‌گوید اولی الامر بودند ولی معصوم نبودند بنابراین ما باید از ظاهر آیه دست برداریم!!

من نمی‌دانم شب اول قبر آقای «فخر رازی» چه جوابی می‌دهد، در برزخ چه حالی دارد و در فردای قیامت چه پاسخی می‌تواند داشته باشد؟ در میان علمای اهل سنت در این ۱۴ قرن من ندیدم کسی مثل «فخر رازی» از خلافت ابوبکر و عمر -مخصوصاً ابوبکر- دفاع کرده باشد؛ یعنی قوی‌ترین دفاع از ابوبکر سهم «فخر رازی» است. متأسفانه بعضی از اعظم می‌گویند ایشان شیعه بوده است.

پرسش:

ظاهر قرآن را هم حجت نمی‌دانست

پرسش ۲:

حاج آقا ببخشید! (... ) نهی از عمل به ظن را این‌ها چطوری می‌خواهند توجیه کنند؟

پاسخ:

بعداً در مورد آن‌ها بحث می‌کنیم که:

**(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ)**

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن

سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۶

آن‌ها یک بحث جدایی است!

آنچه که مهم است من رفتم سراغ کتاب‌های که روی این قضیه خوب کار کرده‌اند مثلاً آقای «شهاب الدین قرافی» متوفای ۶۸۴ از فقهای مشهور «مالکی»ها است برای او در مباحث «فقهی» خیلی ارزش قائل هستند، معاصر «نووی»، «علامه حلی» و «محقق حلی» بوده است.

ایشان می‌گویند:

« أن الاجتهاد استفراغ الفقيه الوسع لتحصيل ظن بحكم »

بعد می‌گویند:

«والفقيه هو المجتهد المطلق وتحقق ماهية المجتهد المطلق لا يوجد إلا بشروط»

الفروق أو أنوار البروق في أنواع الفروق (مع الهوامش ) ، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجي القرافي الوفاة: ۶۸۴هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق :

خليل المنصور، ج ۲ ص ۱۸۶

آن ماهیت مجتهد مطلق و شرایط او جز یک سری شرایطی که ده دوازده تا شرایط برای «فقیه» می‌آورند نیست که بعضی از این‌ها را در جلسه قبل ذکر کردیم.

«عبدالعزیز بخاری حنفی» متوفای ۷۳۰ھ می‌گوید:

«والاجتهاد التام أن يبذل الوسع في الطلب بحيث يحس من نفسه بالعجز عن مزيد طلب وعبرة بعضهم هو بذل الجهد في استخراج الأحكام من شواهد الدالة عليها بالنظر المؤدي إليها وقيل هو طلب الصواب بالأمانة الدالة عليه»

کشف الأسرار عن أصول فخر الإسلام البزدوی ، اسم المؤلف: علاء الدين عبد العزيز بن أحمد البخاري الوفاة:

۷۳۰ھ. ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸ھ - ۱۹۹۷م. ، تحقيق : عبد الله محمود محمد عمر، ج

۴، ص ۲۰

این خیلی مرتبه نازلی از «اجتهاد» است می‌گوید ما دنبال این هستیم که اماره‌ای بر صحت مطلب داشته باشیم. بعضی‌ها هم به این شکل گفتند! کتاب «کشف الاسرار» مال «شرح اصول بزدوی» است که ایشان آمده آن را شرح کرده است، من نوشتم «هو كتاب مهم في اصول الفقه على المذهب الحنفي وطريقة الفقهاء وشرح فيه كتاب اصول البزدوي المتوفى ۴۸۲ وهو اهم شروح»

در هر صورت ...

«اثنوي شافعی» همین تعبیر را مفصل دارد «تفتازانی» در کتاب «شرح التأویل» به طور مفصل دارد، «ابو البقاء حنفی» متوفای ۱۰۹۴ در این موضوع بحثی دارد، «محمدرشید رضا» از معاصرین یک مطلبی دارد که قابل دقت است، این را اگر عزیزان مطالعه بفرمایند خیلی خوب است ما مطلب ایشان را در جلسه آینده مطرح می‌کنیم ایشان در «تفسیر المنار» جلد ۵، صفحه ۱۶۶ یک نکاتی دارد که قابل توجه است.

برای آقای «رشید رضا» دانشگاهی‌ها خیلی ارزش قائل هستند یعنی روشن فکری‌های اهل سنت برای حرف‌های «محمدرشید رضا» احترام ویژه‌ای قائل هستند و «سلفی»‌ها هم قبولش دارند، نکته مثبت «محمدرشید رضا» این است که هم «سلفی»‌ها قبول دارند هم تحصیل کرده‌ها برایش احترام قائل هستند!

ایشان مطالبی را از «کشاف اصطلاحات الفنون» می‌آورد و بعد شروع به نقد کردن این‌ها می‌کند.

پرسش:

استاد! بنیانگذار «سلفی» جدید در حقیقت همان «رشید رضا» و «عبده» محسوب می‌شوند؟

پاسخ:

«سلفی»ها هر روز به قول الله متعال:

(كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ)

و او هر روز در شأن و کاری است!

سوره الرحمن (۵۵): آیه ۲۹

این‌ها «کل ساعه وکل دقیقه فی شأن» هستند! امروزه «سلفی»ها دسته‌های مختلف هستند. «سلفی»هایی که در «آفریقا» هستند با «سلفی»هایی که در «عربستان» هستند و «سلفی»هایی که در «هند» و «پاکستان» هستند با همدیگر زمین تا آسمان تفاوت دارند!

«سلفی»ها را اگر ما بخواهیم بشناسیم خودش یک دنیایی دارد به این سادگی‌ها نیست «جهادی»ها یک بحثی دارند غیر «جهادی»ها یک بحث دیگری دارند.

والسلام علیکم ورحمة الله